

تپه گیان

احمد مظفری

تپه ی گیان

تپه ی گیان که در ۱۶ کیلومتری جنوب غربی نهاوند واقع شده است، در سال ۱۹۲۶ میلادی به وسیله ی هرتسفلد کشف شد. تا سال ۱۹۳۱، گیان فقط تپه ای بود که لایه های جداگانه ی عصر آهن را نشان می داد. در سال ۱۹۳۱، موزه ی لور فرانسه هیئت ی را به سرپرستی کنتینو عازم این تپه کرد. در سال های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ هم دو هیئت را عازم حفاری این تپه کرد که سرپرستی هر دو با گیرشمن بود. این حفاری ها در چهار فصل انجام شد.

قسمت بزرگی از تپه به قبرستان اختصاص داشته است و بعضی از قبرهای آن تا عمق ۹/۵ متری از سطح تپه هم حفر شده بود. این تپه که در اصل یک گورستان بوده است، از اواسط هزاره ی سوم تا اواخر هزاره ی دوم قبل از میلاد را شامل می شود. در آن زمان، چنین گورستان منظمی در کم تر جایی از ایران و دنیا وجود داشته است، ولی متأسفانه بر اثر خاکبرداری های بی رویه ی روستائیان، کاوش های مخفیانه ی سودگران اشیا و

میراث باستانی، و حفاظت نشدن از طرف مسئولان محلی، آسیب های فراوانی دیده است. گستره ی این تپه حدود ۱۵۰ متر در ۳۵۰ متر و ارتفاع آن از سطح زمین های اطراف حدود ۱۹ متر است. گمانه های حفاری شده، در وسط تپه قرار گرفته اند که عبارتند از گمانه ی A به ابعاد ۲۰ در ۱۵، گمانه ی B به ابعاد ۲۰ در ۲۶ متر و گمانه ی C به ابعاد ۲۶ در ۱۵ متر. البته در بعضی از این گمانه ها، در عمق ۱۹ متری به خاک بکر رسیده اند. حدود دوهزار سال این قبرها فقط به صورت چاله هایی ساده در زمین کنده می شده اند. با توجه به این که در زمان حفاری، اشیای قابل مقایسه با اشیای تپه گیان در ایران به دست نیامده بود، گیرشمن از روش مقایسه ی مستقیم این اشیا با بعضی از اشیای وارداتی به این تپه، توانست لایه نگاری طبقه اول را ارائه دهد. این تاریخ گذاری بر اساس شهرهای استوانه ای مشبک کرکوک عراق و نیز خنجر مفرغی کتیبه داری که در حفاری این تپه به دست آمده بود، انجام گرفت. یادآوری این نکته لازم است که کنتینو و گیرشمن به شباهت های سفالی طبقه ی اول تپه گیان

با سفال‌های تپه‌ی حصار دامغان و تپه‌ی تو رنگ هم اشاره کرده‌اند. همچنین، بسیاری از سفال‌های منقوشی تپه‌ی گیان را با سفال‌های منقوش که از قبرهای متعلق به عصر آهن پیدا شده بودند، مقایسه کردند و این سفال‌ها را سفال‌های منقوش سبک لرستان نامیدند و در زمزمی اشیای عصر آهن طبقه‌بندی کردند.

گیرشمن در حفاری قبرها که به صورت گودال ساده‌ی بیضی شکل در خاک حفر شده بودند، تعداد زیادی اسکلت بچه هم از داخل خمره‌های نسبتاً بزرگ به دست آورد. مرده‌ها در قبرها گاهی به پهلوئی راست و زمانی به پهلوئی چپ قرار داشتند. اسکلت بیش‌تر مرده‌ها به صورت خمیده بود و به نظر می‌رسید، این خمیدگی اجباری نبوده است. در بعضی موارد، مرده‌ها رابه صورت نشسته و با لباس دفن کرده بودند و سر آن‌ها مزین به حلقه‌ی فلزی بود و گردن‌بندی به گردن داشتند. در مورد دیگری، کمربندی که به آن خنجر متصل بود، مشاهده شد که کمربند و غلاف آن از قطعات فلزی تشکیل شده بودند.

زبور آلاتی که همراه مرده‌های زن بود، عبارت بودند از گوشواره، بازوبند و سنجاق‌های فلزی که احتمالاً برای نگهداری لباس بوده است. در قبرهای مردان، آلات و ادوات جنگی وجود داشت که در قبرهای زنان دیده نمی‌شد. آلات جنگی عبارت بود از تبر، سرنیزه، پیکان و گرزهای فلزی. غیر از وسایل و ادوات جنگی، اشیای دیگر از قبیل ظرف‌های سفالی و برنز هم به مقدار زیاد دیده می‌شد. داخل قبرها تعداد کمی استخوان و دندان‌های حیوانات کوچک یا مجموعه‌ی حیوانات بزرگ از قبیل بز، گوسفند و گوساله هم به چشم می‌خورد. غالباً کاسه‌ی گودی را وارونه روی سر مرده‌ها، برای سالم ماندن مجموعه قرار داده بودند.

قبرستان در اصل وسط تپه و قسمت مرکزی تپه قرار دارد و در سطح تپه، هیچ نشانه‌ای از وجود قبرها مشاهده نمی‌شود. همچنان‌که گفته شد، قبرها از نوع قبرهای ساده‌ی چاله‌ای هستند و در هر قبر فقط یک اسکلت وجود داشت. اسکلت‌ها به صورت‌های متفاوتی قرار داده شده و قبرها در جهت‌های مختلف تعبیه شده‌اند. در بیش‌تر موارد، صورت مرده‌ها به طرف شرق است و درست تدفین کودکان و بزرگسالان ظاهراً تفاوتی مشاهده نمی‌شود. در هر قبر معمولاً دو تاسه ظرف سفالی وجود دارد، ولی این تعداد هرگز از پنج عدد تجاوز نمی‌کند و به ندرت یک ظرفی هم دیده می‌شود. ظرف‌های سفالی شامل کاسه بشقاب، فنجان دسته‌دار و تنگ که به طور معمول در کاسه

بشقاب تکه‌ی گوشتی قرار می‌داده‌اند، ولی هیچ الگوری مشخصی برای گذاشتن ظرف‌های سفالی در جای مشخصی از قبر مشاهده نشده است. البته بیش‌تر کاسه‌ها و تنگ‌ها در اطراف سر و فنجان‌ها در اطراف پای مرده‌ها قرار داشتند.

چنان‌که قبلاً گفته شد، اشیای دیگری از قبیل اشیای فلزی، مهره‌های سنگی، مهرهای استوانه‌ای و مجسمه‌های کوچک گلی حیوانات در قبرها دیده می‌شود. این اشیاء هم در جای خاصی از قبر گذاشته نشده بودند. ولی خنجرهای مفرغی و آهنی که به طور معمول به کمر بسته می‌شد در قسمت بالا یا زیر سر، جلوی صورت و زیر دست راست و چپ گذاشته می‌شده. جالب توجه است که در دو مورد، یعنی قبرهای شماره‌ی ۳۳ و ۳۹، خنجرهایی قرار داشت. در قبرها به طور عمدی شکسته شده بود ولی دلیل آن را دقیقاً نمی‌دانیم. در مجموع، ۱۲۲ قبر در عمق‌های متفاوت خاکبرداری شده که ۱۱۹ مورد آن‌ها در عمق ۹/۵ متری پیدا شده است. البته برخی آثار ساختمانی نیز در عمق‌های ۳/۴ تا ۵/۶ متری به دست آمده است.

بر اساس تجزیه و تحلیل، سبک سفالگری پنج دوره‌ی فرهنگی در این محوطه‌ی باستانی شناخته شده که دوره‌ی زمانی هزاره‌ی چهارم تا آغاز هزاره‌ی اول قبل از میلاد را شامل می‌شود. قبرهای شماره‌ی ۷ تا ۵۱ و ۵۳ تا ۵۹ که در عمق‌های ۱/۹ تا ۳/۷ متری قرار دارند، مربوط به عصر آهن هستند.

گیرشمن طبقه‌ی اول تپه‌ی گیان را که شامل قبرهای شماره‌ی ۱ تا ۶۳ است، بین سال‌های ۱۴۰۰-۱۱۰۰ قبل از میلاد تاریخ‌گذاری کرده است، ولی یانگ این طبقه را متعلق به سال‌های ۱۲۰۰-۱۲۵۰ قبل از میلاد می‌داند.

قبرهای تپه‌ی گیان را گروهی به سه طبقه، و گروهی به پنج طبقه تقسیم‌بندی و هر طبقه رابه سه گروه A و B و C دسته‌بندی کرده‌اند. تقسیم‌بندی از جدید به قدیم است؛ یعنی جدیدترین طبقه، اول محسوب می‌شود که سفال‌های به دست آمده از آن، شامل سفال‌های منقوش سبک لرستان است. داسیون این نوع سفال‌ها را بین سال‌های ۷۰۰-۶۰۰ قبل از میلاد و یانگ بین ۸۵۰-۸۰۰ قبل از میلاد تاریخ‌گذاری کرده‌اند. این نوع سفال‌ها از نوع سفال‌های مشخص طبقه‌ی سوم تپه‌ی باباجان هستند که گف آن‌ها را متعلق به قرن‌های ۹ و ۸ قبل از میلاد می‌داند. در مجموع می‌توان گفت که تپه‌ی گیان شاهده‌ی است بر وجود فرهنگ گیان و مشخصات فرهنگی و باستانی خاصی را نشان می‌دهد که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

فرهنگ گیان یا فرهنگ وگودین

یکی دیگر از فرهنگ‌های محلی ایران که از نظر زمانی اواسط هزاره‌ی سوم تا اواخر هزاره‌ی دوم قبل از میلاد را شامل می‌شود، فرهنگ گیان یا فرهنگ گیان و گودین است. عده‌ای از باستان‌شناسان، بستر زمانی این فرهنگ را از هزاره‌ی چهارم تا آغاز هزاره‌ی اول قبل از میلاد تاریخ‌گذاری کرده‌اند. به هر حال براساس تجزیه و تحلیل سبک سفال‌گیری، پنج دوره‌ی فرهنگی در این محوطه‌ی باستانی شناخته شده است.

مرحله‌ی اول تکامل این فرهنگ در گیان در طبقه‌ی چهارم بوده که با سفال‌های منقوش مشخص شده است. گستره این فرهنگ از نهاوند تا لرستان را شامل می‌شده است. سفال‌های نوع گیان دو از سفال‌های شوش نوع D و سفال‌های منقوش ایلامی در منطقه‌ی خوزستان و شوش تأثیر پذیرفته‌اند. مرحله‌ی پایانی، سفال‌های نوع گیان سه هستند که از قبرهای تپه‌ی گیان، تپه‌ی جمشیدی و تپه‌ی گودین، طبقه‌ی سه به دست آمده‌اند. از آنجا که بین سفال‌های گیان چهار و سه، مشابهت و افتراق وجود دارد، به نظر می‌رسد نوآوری فرهنگی در گیان سه در راستای سنت‌های موجود این فرهنگ بوده و نفوذ این فرهنگ، از حدود سال ۱۹۰۰ قبل از میلاد، در بیش‌تر قسمت‌های لرستان گسترش پیدا کرده است. محل‌های مهمی که این فرهنگ در آن‌جا بیش‌تر رایج بوده است، عبارتند از: تپه‌ی گیان، تپه‌ی جمشیدی، گودین تپه، چشمه‌ماهی چغاسبز، سرخ دم و تپه‌ی گوران.

سفال‌های این فرهنگ را می‌توان به طور کلی به دو گروه تقسیم کرد: ۱. سفال‌های منقوش تک رنگ؛ ۲. سفال‌های منقوش رنگارنگ. این سفال‌ها اغلب قرمز با پوشش غلیظ و با نقوش سیاه‌رنگ هستند که به طور مستقیم روی آن‌ها از قسمت‌های لبه و گردن ظرف‌ها نقاشی شده است. نقش‌ها اغلب از خطوط مستقیم، موجی و مربع در ترکیبات مختلف به وجود آمده‌اند. شکل ظرف‌ها به صورت کاسه، فنجان و ظرف‌های دسته‌دار و بدون دسته است. غالباً فنجان‌های پیدا شده از این فرهنگ را با فنجان‌های پیدا شده در شوش D مقایسه می‌کنند. مشابهت سفال‌های نوع رنگارنگ این فرهنگ را در آناتولی مرکزی، حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه در گوی تپه، و هفتوان تپه، در حدود سال‌های ۱۶۰۰-۱۹۰۰ قبل از میلاد، و در دشت قزوین، در تپه‌ی سگز آباد، در حدود سال‌های ۱۲۰۰-۱۶۰۰ قبل از میلاد دیده‌اند.

تقریباً پنجاه سال گاه‌نگاری اواسط هزاره‌ی سوم و اواسط هزاره‌ی دوم قبل از میلاد منطقه‌ی غرب ایران، بر اساس نتایج

به دست آمده از حفاری‌های تپه‌ی گیان تنظیم شده است. با وجود این که بیش‌تر اطلاعات مذکور از حفاری قبرهای تپه‌ی گیان به دست آمده است ولی از نظر لایه‌نگاری، تپه‌ی گودین دره‌ی کنگاور اطلاعات قابل اطمینان‌تری، درباره‌ی تکامل سنت سفال‌های منقوش نخودی این فرهنگ به دست می‌دهد.

از سوی دیگر، حفاری توأم با لایه‌نگاری گودین سه. هم‌زمان با گیان دو و سه (۱۴۰۰-۲۷۰۰ قبل از میلاد) با گستره‌ی حداکثر ۷۰۰ متر مربع، انجام شده است. بر اساس آخرین تجزیه و تحلیل سفال‌های به دست آمده از طبقه‌ی سه، خود این طبقه هم به طبقات ریزی از قدیم به جدید، از پنج تا یک تقسیم شده است. البته این اطلاعات به شکل‌های متفاوتی ارزیابی شده‌اند. مثلاً، گیرشمن در کتاب «هنر ایران» می‌نویسد که سفال منقوش از چینه‌ی شماره‌ی یک به چینه‌ی هوری معروف شده که از نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم پیش از میلاد معمول گردیده است. شاید آمدن هوری‌ها به آسیای غربی، باعث این جریان‌ها شده است.

هوری‌ها که از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در اطراف دریاچه‌ی وان ترکیه اقامت داشتند، در حدود هزاره‌ی دوم به طرف سوریه و فلسطین رانده شدند و تحت فشار اقوام سامی قرار گرفتند. آن‌ها بار دیگر، در اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد، فقط در قسمت غربی دریاچه‌ی وان مستقر شدند. زبان آن‌ها نه سامی و نه هندواروپایی بوده و جزو زبان‌های قفقازی دسته‌بندی شده است. تعدادی از افراد از این قوم در اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد از مراکز خود در بین‌النهرین شمالی به سوی مشرق و به فلات ایران کوچ کردند که این قریض را می‌توان قبول کرد؛ زیرا سفال منقوش طبقه‌ی اول در گیان، با ظرف‌های معروف به نوزی که در تمام آسیای غربی رواج داشتند و تا ناحیه‌ی زاگرس نمونه‌های آن‌ها دیده شده شباهت زیادی به هم دارند و ممکن است، نقل و انتقال اقوام هوری موجب رواج این نوع سفال باشد (چون هوری‌ها از طرف دیگر با اورارتوئی‌ها ارتباط داشتند).

بعد از این چینه، قبرهایی به چشم می‌خورند که سفال و اشیای دیگر آن‌ها، با آنچه که در بابل از اواخر دوران تسلط کاسی‌ها، یعنی قرن ۱۱ و ۱۲ پیش از میلاد کشف شده است، شباهت دارند. این طور به نظر می‌رسد که این آخرین جریانی بوده که از طرف غرب و در قسمت غربی برفلات ایران تأثیر گذاشته است؛ چون در این زمان، جریانات دیگری از طرف شرق و شمال وارد فلات ایران می‌شوند. اولین نشانه‌ی این تغییر آن است که در تپه‌ی گیان، سفال خاکستری مایل به سیاه یا سیاهی که روی آن بانوک

چاقو نقوشی کنده شده، پدیدار می شود و تقریباً تمام سفال گورستان الف سیلک کاشان که کمی قدیمی تر از گورستان ب است، از همین نوع سفال است. به علاوه، گاهی اوقات مواد سفید رنگی را به صورت مرصع در قسمت های فرو رفته ی ظرف ها نشانده بودند که این نوع کار در فلات ایران در آن زمان تازگی داشت.

از ویژگی های دیگر فرهنگ گیان طبقه ی دو، شباهتی است که بین سفال های این فرهنگ با سفال های فرهنگ «دین خواه» حوضه ی دریاچه ی اورمیه وجود دارد. با توجه به این که فرهنگ دین خواه در محدوده ی فرهنگ خابور (بین النهرین شمالی) بوده است، می توان چنین تصور کرد که این فرهنگ در محدوده ی جنوب شرقی فرهنگ نامبرده قرار داشته است. بیش ترین اطلاعات درباره فرهنگ گیان دو از تجزیه و تحلیل اشیای به دست آمده از قبرهاست. این قبرها زامی توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. گروه A^۲ که از نظر لایه نگاری روی گیان طبقه ی سه و در عمق ۴/۳ تا ۵/۵ متر از سطح تپه قرار گرفته اند. اشیای داخلی این قبرها تا حدی به اشیای به دست آمده از فرهنگ دین خواه شباهت دارند، از جمله سنجاق های ته گرد مفرغی و کاسه های لبه مسطح که لبه ی آن ها منقوش است و نقش های دیگری که به نقش های فرهنگ دین خواه شباهت دارند. اگر فرهنگ دین خواه در حدود ۱۵۰۰ قبل از میلاد تاریخ گذاری شود، قبرهای گیان A^۲ نیز قاعدتاً باید مطابق با همان زمان تاریخ گذاری شوند که این تاریخ با تاریخ طبقه ی زیرین گیان سه هم مطابقت دارد.

۲. گروه B^۲ که از شش قبر تشکیل شده است و در عمق بین ۴ تا ۴/۶ متری از سطح تپه قرار گرفته است. در این قبرها، سفال های منقوشی وجود دارند که شبیه سفال های A^۲ هستند. نقش های مشخص سفال های این قبرها نقش آفتاب و پرندگان است. بیش ترین اشیای قبرهای فرهنگ گیان دو مربوط به قبرهای گروه B^۲ هستند. مشابه اشیای به دست آمده از این قبرها در قسمت هایی از منطقه ی قفقاز دیده شده اند که تاریخ آن ها را ۱۴۰۰ قبل از میلاد تعیین کرده اند. در زمره ی جواهرات داخلی قبرها، مندالی است به شکل ستاره که با قلمزنی تزئین شده و شبیه آن را می توان در فرهنگ دین خواه یادمارلیک و سگزاباد پیدا کرد. بنابراین، بر اساس این مقایسه می توان تاریخی در حدود سال های ۱۴۰۰-۱۵۰۰ قبل از میلاد را برای این گروه از قبرهای گیان دو پیش بینی کرد.

۳. گروه C^۲ که از ۹ قبر تشکیل یافته و در عمق بین ۳/۴ تا

۴/۱ متر از سطح تپه قرار گرفته است. سفال های به دست آمده از این قبرها پایان سنت سفال های منقوش را در این محل نشان می دهند، به طوری که در تپه ی گیان در حدود سال های ۱۰۰۰-۱۲۰۰ قبل از میلاد، سفال های منقوش دیگری دیده نمی شود. از قبرهای گروه C^۲ یک مهر استوانه ای به دست آمده که از نظر سبک و روش، شبیه مهرهای نوزی در بین النهرین است. این سبک مهرها در ایران تا اوایل عصر آهن، در تپه های دین خواه، مارلیک، حسن زمینی و آق اولر در منطقه ی تالش گیلان وجود داشته است. مهرهای سبک نوزی که متعلق به قرن های ۱۴ و ۱۳ قبل از میلاد هستند، در فلسطین نیز به دست آمده اند.

یافته های باستان شناسی در این منطقه نشان می دهند که اصولاً در لرستان با پایان یافتن فرهنگ گیان دو، تپه ها کاملاً متروک شده اند و تغییر عمده ای در نوع استقرار مردم ساکن این منطقه صورت گرفته است. به این ترتیب که مردم زندگی در دشت ها را ترک کرده و در مناطق کوهستانی، بیش تر به صورت کوچ نشینی، مستقر شده اند. علل اساسی این موضوع به صورت کامل و جامعی مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. از سوی دیگر، این مسأله بی ارتباط با حمله ی ایلام ها به حاکمان کاسی در منطقه ی حدود قرن های ۱۳ و ۱۲ قبل از میلاد نبوده است.

به طور کلی، در مورد مقایسه ی بین فرهنگ های سنی و بومی ایران قبل از میلاد، تحقیقات جامعی نداریم، با این که استادان بزرگی سعی کرده اند، گوشه های متفاوت این فرهنگ ها را به رشته ی تحریر در آورند، ولی گسستگی در زمان و مکان تحقیق باعث پراکندگی در ارتباط با اعلام نظریه ای کامل و مفصل شده است. به هر حال، تپه ی گیان نهایند، سیلک کاشان، شهر سوخته ی سیستان و بلوچستان و یا آق اولر گیلان همگی حاکی از قدمت زیست تجمعی انسان در آن زمان است.

منابع

۱. گیرشمن، رمان. هنر ایران، ترجمه ی دکتر عیسی بهنام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۱.
۲. کنتو، ژرژ. تمدن های باستانی خاور نزدیک. ترجمه ی علی اصغر سروش. تهران: سازمان کتاب های چینی، چاپ اول ۱۳۴۳.
۳. طلائی، حسن. باستان شناسی و هنر ایران در هزاره ی اول قبل از میلاد. تهران: سمت، چاپ اول ۱۳۷۴.
۴. جزوات داخلی آموزشی میراث فرهنگی ایران و استادان کلاس های آموزشی وزارت ارشاد برای راهنمایان جهانگردی.